

معضل سگ‌های ولگرد

جولان سگ‌های ولگرد چندین سال است که مورد اعتراض مردم بندرعباس بوده و بارها در رسانه‌های استان نیز مطرح شده است. افزایش جمعیت سگ‌های ولگرد و بدون صاحب در شهر بندرعباس مشکلاتی بسیاری را برای شهروندان ایجاد کرده است. چراکه ممکن است وجود این سگ‌ها منجر به ایجاد بیماری‌های خطرناک شود و

سلامت عمومی شهروندان را تهدید کند.

ضروری است که ارگان‌های مسئول نسبت به جمع‌آوری سگ‌های ولگرد از سطح شهر و مناطق مسکونی و همچنین عقیم‌سازی آن‌ها اقدام کنند کاری که سالهاست شهروندان از مسئولین درخواست دارند اما همچنان پابرجاست. وجود سگ‌های بی‌صاحب یکی از عمده مشکلاتی بود که شهروندان امسال با آن درگیر بودند و بارها رسانه‌ای شد حال باید ببینیم در سال پیش رو چه چاره‌ای برای معضل اندیشیده می‌شود یا خیر؟

بررسی مهم‌ترین رخداد‌های منطقه طی سال ۱۴۰۱ و دورنمایی از وقایع ۱۴۰۲

سال سخت دیپلماسی ایران

غرب آسیا طی سال ۱۴۰۱ شمسی آبستن وقایع بسیاری بود. سالی که دستگاه دیپلماسی کشور نتوانست موفقیت چشمگیری داشته باشد و روابط ایران با برخی از کشورهای همسایه با پیچیدگی‌هایی همراه بود. در همین راستا طی گفت‌وگو با «مهدی میرزاده کوه شاهی»، دکترای جغرافیای سیاسی-ژئوپلیتیک، استادیار و عضو هیئت‌علمی دانشگاه هرمزگان به بررسی مهم‌ترین وقایع منطقه در سال ۱۴۰۲ پرداخته‌ایم و نیم‌نگاهی نیز به موضوعاتی چون جنگ روسیه و اوکراین، تحولات کشور عراق، اقدام برخی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس در رابطه با «خلیج‌فارس» و «جزایر سه‌گانه» و عملکرد دستگاه دیپلماسی دولت سیزدهم داشته‌ایم. (این مصاحبه قبل از انجام توافقات ایران و عربستان انجام شده است)



طریق این کشورها تهدیداتی را متوجه ایران کند.

- از دیدگاه شما در عرصه سیاست بین‌الملل مهم‌ترین اتفاق برای ایران در سال ۱۴۰۲ چه می‌تواند باشد؟

مجموعه رخدادها و تحولاتی در منطقه در حال اتفاق است که ممکن است فضا را برای ایران سنگین کند. اول اینکه ما درون کشور التهاباتی را داشتیم که انعکاس جهانی پیدا کرد. یک نگاه و نگرشی در انظار جهانی، در مراکز قدرت و تصمیم‌گیری در غرب حداقل در ارتباط با ایران ایجاد شد. دوم اینکه در درون ایران نیز یک نارضایتی ناشی از ناکارآمدی سیاست‌های اقتصادی را شاهد هستیم که ممکن است نارضایتی فراگیری ایجاد کند. در درجه سوم حضور اسرائیل در منطقه است که این حضور چشمگیر رو به گسترش است. تعاملاتشان را نیز با کشورهای حاشیه خلیج‌فارس افزایش داده‌اند. این تعاملات هم در حوزه مباحث اقتصادی و هم در حوزه مباحث امنیتی و اطلاعاتی است. این یک سیگنال و تحول است. از سوی دیگر روابط اسرائیل با همسایگان شمالی ما هم افزایش پیدا کرده است. منظورم کشور آذربایجان است. نوع روابط ما با جمهوری آذربایجان و توسعه تعاملات اسرائیلی‌ها و آذربایجانی‌ها، در حال گسترش یک فضای توأم با تهدید در شمال غرب ایران است. از دیدگاه من این موضوع، یک تحول و تهدید خیلی مهم می‌تواند برای ما باشد.

در شرق کشور به نظر می‌رسد ما یک ثبات ناشی از حضور طالبان راداریم اما این ثبات خیلی شکننده است؛ چراکه طالبان آداب دیپلماتیک را نمی‌داند. طالبان از کارآمدی سیاسی برخوردار نیست و پذیرش جهانی ندارد. از طرفی اساساً گفت‌مان سیاسی و فکری که طالبان می‌خواهد با آن در جامعه افغانستان حکومت کند با ما در تضاد است. آن‌ها یک جمهوری اسلامی شیعه را به این راحتی نمی‌پذیرند. ممکن است تنش‌های داشته باشیم اما شاید مهم‌ترین مسئله این باشد که بعید است افغانستان طالبان، محیطی شود که به این راحتی آمریکایی‌ها و غربی‌ها به ما فشار بیاورند.

مسئله بعدی ملی‌گرایی در عراق و همسویی راهبردی عراق با کشورهای عربی و غربی است. این موضوع اگر توأم با فشار غرب و آمریکا به ایران باشد، ممکن است برای ما درس‌ساز شود. در کنار این‌ها یکسری مؤلفه‌های دیگر نیز وجود دارد که آینده تحولات جهانی را رقم می‌زند؛ آن‌هم حضور چشمگیر چین در منطقه است. چین، حوزه خلیج‌فارس را ععلا از آمریکایی‌ها خارج کرده است. نوع تعاملات چین با کشورهای خلیج‌فارس را که بررسی کنید این موضوع مشهود است. حجم تعاملات و تبادلات اقتصادی و قراردادهای همکاری راهبری که چین با کشورهای حوزه خلیج‌فارس منعقد کرده است را ببینید.

این مؤلفه‌های است که می‌تواند فضای جهانی را تعدیل کند؛ نباید فراموش کرد که چین بیشتر دغدغه اقتصادی دارد و در مباحث کلان بین‌المللی هم اغلب یک بازیگر

یک عراق آرام و امن پیش بروند. عراقی‌ها هم متوجه این مسئله هستند که امنیت یک مؤلفه کلیدی در رفاه آن‌ها است. در این زمینه با کشورها و بازیگرانی که به امنیت و رفاه آن‌ها کمک می‌کنند وارد تعامل شده‌اند. عراقی‌ها متوجه اهمیت تنوع در روابط سیاسی، تعاملات تجاری و دیپلماسی شده‌اند. از همین رو از انکا صرف به ایران گذر کردند؛ کما اینکه الآن دیگر امنیت و ناامنی مسئله اصلی عراق نیست، بلکه مسئله رفاه و توسعه است؛ بنابراین عراق به سمت کنشگران و بازیگرانی پیش خواهد رفت که بتوانند رفاه را در این کشور بیشتر و این کشور را به سمت توسعه هدایت کند. کشورهای حاشیه خلیج‌فارس نیز متوجه اهمیت ناامنی عراق برای ناامن کردن کل منطقه شدند؛ بنابراین آن‌ها هم به دنبال یک عراق آرام، باثبات اما همسو با خود هستند. عراقی که الزاماً تحت تأثیر سیاست خارجه ایران نباشد. این مهم باعث شده است که عراق از ما فاصله بگیرد. عراق یک کشور عربی است و مقوله عربیت و اسلامیت در این کشور ارجحیت دارد. از این حیث آن‌ها با کشورهای عربی احساس هم سنجی بیشتری دارند. این راهبردی است که عراق اخیراً در پیش‌گرفته است. عراقی‌ها از یک‌طرف متوجه راهبرد ناکارآمد سیاست خارجی‌شان شدند و از طرف دیگر از حالت اضطراب گذر کردند. این کشور الآن حالت اضطراب ناشی از ناامنی را ندارد پس به سراغ بازیگرانی می‌روند که در رفاه و توسعه کمکشان کند. همین باعث شده که عراقی‌ها رویه مستقلی را در پیش بگیرند و بیش از آنکه به سمت ایران تمایل داشته باشند به سمت جهان عرب و شورای همکاری خلیج‌فارس گام بردارند؛ البته که طبیعی است یک کشور به دنبال منافع خودش باشد.

در سال ۱۴۰۲ عراق بیشتر از گذشته به سمت کشورهای حاشیه خلیج‌فارس می‌رود و به تنوع‌بخشی به روابطش ادامه می‌دهد. همچنین سعی خواهد کرد نگرانی‌ها، دغدغه‌ها و حساسیت‌های خلیج‌فارس‌های خلیج‌فارس را درک کند و به سمت همسویی بیشتر با کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس پیش برود. ضمن اینکه عراق نیازمند سرمایه‌گذاری است و این کشورها توان سرمایه‌گذاری رادارند؛ این در حالی است که ما با محدودیت‌هایی مواجه هستیم و این امکان از ناحیه ایران وجود ندارد. تصور این است که عراق یک کم‌کم به‌سوی یک مدل و شکل جدیدی از سیاست خارجی پیش می‌رود که مبتنی بر ملی‌گرایی، رفاه و نزدیکی به کشورهای عربی است. حتی تمایلاتی در شورای همکاری خلیج‌فارس وجود دارد که عراق را به‌صورت تدریجی و در یک فرآیند بلندمدت به‌عنوان عضوی از شورای همکاری خلیج‌فارس بپذیرند. عراقی‌ها هم متوجه مزیت‌های این سیاست و این نوع نگاه حاشیه خلیج‌فارس به خودشان شدند.

- تلاش کشورهای حاشیه خلیج‌فارس در عادی‌سازی استفاده نادرست از عنوان «خلیج عربی» در رویدادهای مختلف سال گذشته را شاهد

جنگ روسیه و اوکراین احتمالاً مهم‌ترین واقعه‌ی حال حاضر دنیا است. گمان می‌کنید در ۱۴۰۲ شمسی سرنوشت این جنگ چگونه خواهد بود؟

در حوزه روابط بین‌الملل و مباحث ژئوپلیتیکی سرنوشت جنگ‌ها را تسلیحات و مباحث نظامی تعیین نمی‌کند بلکه ابتکار عمل‌های دیپلماتیک است که منجر به پایان یک جنگ یا مصالحه خواهد شد. اینکه روس‌ها و اوکراینی‌ها چه سرنوشتی را در سال آینده شمسی رقم می‌زنند به مؤلفه‌ها، متغیرها و بازیگران دیگر مربوط است. برخلاف تصور روس‌ها پایداری و مقاومت اوکراینی‌ها (البته با حمایت اروپایی‌ها) دور از انتظار و فراتر از تصور بود. این جنگ به قطب‌بندی‌های جهانی در حوزه نظام بین‌الملل مربوط است؛ یعنی جدای از این دو کشور، جنگ بین دو قطب، شامل بلوک غرب (اروپا به‌عنوان حامی اوکراین) و روسیه و متحدانش که عمدتاً شرقی هستند در حال انجام است؛ بنابراین تا پایداری این دو قطب ادامه دارد جنگ هم ادامه خواهد داشت. مگر اینکه یک ابتکار عمل وجود داشته باشد و طرفین دریابند که امکان پیروزی در جنگ وجود ندارد، در این حالت ممکن است جنگ پایان باید که با فضای موجود بعید به نظر می‌رسد. تصور نمی‌کنم در سال ۱۴۰۲ این جنگ به‌راحتی تمام شود و روس‌ها پیروز میدان شوند یا اوکراینی‌ها کل مناطق تصرف‌شده را پس بگیرند. روس‌ها این مناطق را مناطق تاریخی خودشان می‌دانند و از این حیث جنگ برایشان یک جنگ حیثیتی است. درواقع نبرد بقا و ماندگاری است. این نبرد بقا و ماندگاری برای آینده روسیه و آینده شخص پوتین ارزش حیاتی دارد؛ بنابراین تصور نمی‌کنم روس‌ها از مواضع خود به شکل کامل عقب‌نشینی کنند. ممکن است فشار تسلیحاتی {کمبود تسلیحات} باعث شود روس‌ها موقتاً آتش‌بس اعلام کنند و بگویند ما به آنچه خواستیم رسیدیم و مرزها در همین نقطه تثبیت خواهد شد اما از آنجاکه طرف اوکراینی دائماً در حال تلاش است که سرزمین‌های تصرف‌شده را پس بگیرد، فکر نمی‌کنم این جنگ در سال ۱۴۰۲ پایان یابد.

در ماه‌های اولیه پس از تصرفات روس‌ها، شرایط داخلی روسیه به نفع اوکراینی‌ها بود اما این شرایط به‌مرور برائثر تبلیغات روس‌ها، مداخله اروپا و ورود کنشگران دیگر به حوزه میدانی و سیاسی جنگ، به نفع پوتین تغییر کرد. ممکن است فشار اقتصادی ناشی از جنگ بر روس‌ها نیز فضا را دگرگون کند به‌طوری‌که اما شرایط روسیه و پوتین نسبت به یک سال گذشته بهتر شده است. به نظر می‌رسد که امکان پایداری روس‌ها و پافشاری آن‌ها بر مواضعشان همچنان وجود داشته باشد. در این میان مسئله‌ی مهم برای کشور ما این است که نباید از این بحرانی که بین روسیه و غرب ایجادشده، متضرر شویم. نباید عریان وارد این رقابت شویم و نباید به جنگی که طرفین آن هر دو رقبای ما هستند ورود داشته باشیم؛ این باعث می‌شود که بدبینی نسبت به ایران در عرصه جهانی بیشتر شود.

- در ماه‌های اخیر به‌خصوص در عرصه بین‌الملل یک چهره جدید از کشور عراق دیدیم. دیپلماسی عراق بسیار فعال بوده است؛ در همین راستا اقدامات مهمی در جهت استقلال انرژی از سوی مقامات این کشور انجام‌شده است. با توجه به برآیند رخداد‌های پیشین، عراق ۱۴۰۲ را چگونه می‌بینید؟

باید ببینیم که عراق، آن عراق زمان داعش نیست. یک پوست‌اندازی سیاسی انجام داده است و متوجه شده که فضای رقابت، فضای تعامل و ژئوپلیتیکی منطقه دگرگون شده است. درگذشته ما اولویت امنیت را داشتیم. امنیت از منظر حالت اضطراری؛ از این جهت که منطقه دچار یک ناامنی فراگیر شده بود اما الآن این ناامنی فراگیر تا حد زیادی رفع شده است. تسلط داعش بر مناطق عربی کاهش پیدا کرده و امکان عملیات گسترده هم ندارد. کنشگر دیگری که می‌توانست منطقه را ناامن کند طالبان بود که به قدرت رسید است؛ اما ناگزیر است در چارچوب رفتارهای دیپلماتیک عمل کند و این خودش به امنیت کمک می‌کند. در سایر بحران‌های منطقه، مانند بحران عراق و سوریه هم کنشگران به این نتیجه رسیدند که ناامنی زیاده‌زد و مداوم این ناامنی باعث ضربه زدن به رفاه، توسعه و آینده منطقه می‌شود. از همین رو گفت‌مان حاکم در خاورمیانه به امنیت برای رفاه، ثبات و توسعه اقتصادی ارجحیت پیدا کرده است و باعث شده کشورهای منطقه، به‌سوی



خنتی است و همسویی چندانی با ما نخواهد داشت. نوع نگاه ما به مسئله هسته‌ای و نگاه به غرب و الگویی که بتوانیم از این فضا بیرون ببیاییم در آینده تحولات جهانی به نفع یا ضرر ایران بسیار تعیین‌کننده است. گمان می‌کنم سال آینده هم‌سالی است که فشارهای اقتصادی-سیاسی و تحریم‌ها بر ایران از ناحیه غرب با محوریت برنامه هسته‌ای ادامه پیدا خواهد کرد. این موضوع به‌خصوص زمانی که یک جناح تندرو در اسرائیل بر سرگزار آمده محتمل‌تر است.

این‌ها مهم‌ترین مؤلفه‌ها و عواملی بودند که آینده تحولات جهانی را مرتبط با ایران رقم خواهند زد. اینکه خروجی چه خواهد شد تا حد زیادی به ابتکار عمل ما بستگی دارد اینکه چگونه روابطمان را با همسایگان، اول جهان عرب، دوم با غرب مدیریت کنیم. تنش‌ها را مدیریت و کاهش دهیم. در عرصه داخل نیز نوع مواجهه ما با نارضایتی‌های داخلی و بحران‌های اقتصادی می‌تواند تعیین‌کننده باشد.

- عملکرد دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۱ را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
- دستگاه دیپلماسی در سال گذشته موفقیت چشمگیری نداشتند. من فکر می‌کنم درنهایت ادامه همان رویکرد دولت آقای روحانی بود منتهی یک شکافی در حوزه روابط خارجی در دستگاه دیپلماسی ما وجود دارد یعنی انگار دو گفت‌مان و دو تفکر رقیب در حال تصمیم‌گیری در حوزه سیاست خارجه هستند که خروجی این معمولا به یک تناقض عملیاتی و راهبردی می‌انجامد؛ یعنی یک جریان ممکن است دنبال تعامل و کاهش تنش‌ها باشد جریان دیگری بر چهارچوب‌های اصولی و ارزشی تأکید کند که این امکان مصالحه را کاهش می‌دهد. درمجموع دستگاه دیپلماسی چندان قوی عمل نکرد. نمودهای آن را می‌توانیم در مواجهه با کشورهای منطقه، طالبان، حل مسئله هسته‌ای و در تعامل با کشورهایی که به‌صف مخالفان ما می‌پیوندند مثل اوکراین و آذربایجان ببینیم. فکر نمی‌کنم عملکرد دستگاه دیپلماسی قابل دفاع باشد؛ حداقل در ارتباط با بحران‌هایی که فشارهای بین‌المللی را بر ما بیشتر کرده است.

تصورم این است سال آینده سال دشواری را خواهیم داشت. آن‌هم به علت تجمع بحران‌ها در عرصه داخلی، خارجی و ترکیب این دو عرصه با یکدیگر. در داخل یک نارضایتی فراینده را داشتیم که منجر به التهاباتی در درون جامعه شد. این مهم در حوزه اقتصادی، سیاست داخلی و سیاست‌گذاری فرهنگی ما قابل‌توجه است. در عرصه خارجی هم همان‌طور که قبل‌تر اشاره کردم تغییر و تحولاتی در اسرائیل ایجادشده. یک جناح رادیکال بر سر قدرت آمده است. درعین‌حال شاهد توسعه تعاملات اسرائیل با همسایگان بلافصلمان هستیم که می‌تواند برای ما خطرناک باشد. روابطمان با برخی از کشورهای منطقه به تنش انجامیده است؛ به‌طور خاص به جمهوری آذربایجان می‌خواهم اشاره‌کنم. سطح روابطمان با برخی متحدان گذشته‌مان مثل عراق کاهش پیدا کرده است. آن‌ها به سمت‌وسوی دیگری در حال حرکت هستند.

این می‌تواند برای ما آسیب باشد. درنهایت اینکه در عرصه جهانی یک فشار حداکثری علیه ما وجود دارد که این می‌تواند اقتصاد ما را شکننده‌تر کند و به اجماع جامعه جهانی علیه ما کمک کند. اگر این تحولات مدیریت نشود و راه‌حلی برای آن اندیشه نشود می‌تواند کشور را درگیر بحران‌ها و التهاباتی کند.

- سخن پایانی.
- در حوزه سیاست امکان پیشگویی نداریم. سیاست حوزه پویایی است که با منافع انسان‌ها، کنشگران و بازیگران در ارتباط است. طبیعتاً منافع متغیر و متکثر است؛ یعنی در حوزه‌های مختلف ممکن است منافع ما متفاوت باشد و دائماً این در حال تحول است. یک بازیگر اگر رفتارش، کنشش تغییر پیدا کند طبیعتاً بازیگران دیگر هم رفتارشان دگرگون خواهد شد؛ بنابراین پیشگویی در حوزه تحولات جهانی بسیار دشوار است اما می‌توان پیش‌بینی کرد که با ادامه این رویکرد در سیاست خارجه، فشارها در سال ۱۴۰۲ بر ایران مضاعف خواهد شد.